



## امام خمینی

### آیین مهر و قهر

علی مختاری

محمد ﷺ پیامبر خداست و کسانی که  
بسا اویند، بر کافران، سختگیر و با  
همدیگر مهربانند.»

#### مثل مولا علی

امام خمینی می فرماید:

«باید به همان نحو که مولا علی  
مظهر عدالت بود و مظهر رحمت، شما  
هم اقتدای به آن حضرت کنید و  
باعدالت با مردم و بین خودتان رفتار  
کنید و با عطف و ت.»<sup>۳</sup>

چه زیباست تخلّق به اخلاق  
خداوندی که در جای مهربانی، ارحم  
الراحمین و در مقام انتقام، اشدُّ  
المُعاقِبین است. در افتتاح دعای افتتاح  
به ساحت حضرتش عرض می شود:

«وَأَيُّقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي  
مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي  
مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ؛<sup>۱</sup> و یقین دارم که تو  
- در جایگاه عفو و رحمت - از تمام  
مهربانان، مهربان تر و در جای عقاب و  
انتقام از همه سخت گیر تری.»

و خداوند متعال در قرآن کریم  
می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ  
أَشِدُّاْءٌ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ رَحِيْمًاۙ بَيْنَهُمْ»<sup>۲</sup>

۱. مفاتیح الجنان، اعمال شهبای ماه مبارک  
رمضان.

۲. فتح/۲۹.

۳. مهر و قهر، ص ۳۶۸، به نقل از: صحیفه نور،

و جای مدارا و مهربانی، هنگام معاشرت با زیردستان، خودیها، خانواده و فرزندان، گمراهان غیر معاند و جاهلان قاصر و... است. متأسفانه در کشور عزیز ما، مدعیان رأفت و مدارا، پیاده نظام آمریکا و جاده صافکن اسرائیلند و در برابر هموطنان، فقرا، اهل دین و ایثار، خشن ترین رفتارها را دارند.

### لطافتها

#### ۱. سفارش به رسیدگی به بیمار

«کارگری در منزل مریض شد. وی اهل دهات بود و زبانی هم نداشت. امام خیلی سفارش او را می کردند که برایش دکتر بیاورید. امام باز از مصرف

ج ۱۲، ص ۱۳۰. در این مقاله که پیش روی دارید، گلچینی از کتاب مهر و قهر تقدیم می شود. به جاست که نمونه هایی از این کتاب و آثار مشابه، بازنویسی و تدوینی نو، نظیر متون درسی، در حوزه های علمیه و مراکز علمی آموزشی تدریس شود. این کتاب، به کوشش محمدرضا سبحانی نیا و سعید رضا علی عسکری و اهتمام مرکز فرهنگی شهید مدرس، در سال ۱۳۷۹ ش. در اصفهان منتشر شده است.

۱. تفصیل برخی حوادث را در تاریخ انقلاب و امام، یاد در صحیفه نور، صحیفه امام و منابع ارائه شده در باورقیها و نیز در کتاب مهر و قهر که بی واسطه از آن نقل می کنیم مطالعه بفرماید.

در دید اهل معرفت، همه چیز، مظهر رحمت خداست و مهر او، هر چیز حتی غضبش را فرامی گیرد؛ چنان که در قرآن کریم و برخی دعاها مثل آغاز دعای کمیل نیز بیان شده است که رحمت خداوندی، فراگیر است و بر غضبش سبقت می گیرد؛ زیرا غضب و خشونت الهی نیز در مجموعه نظام هستی به سود بشر است و نظیر چاقوی جراح، سبب سلامتی مجموعه پیکر انسان می باشد. از طرفی:

ترحم بر پلنگ تیزدندان

ستمکاری بود برگوسفندان

در این مجال و مقال به مهربانیها و صلاحتهای امام بزرگوارمان، گذری دوباره می کنیم؛ باشد تا سر مشق مبلغان بلکه مسئولان بلند پایه نظام اسلامی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

قبل از بیان برخی از مهربانیها و صلاحتهای حضرت امام علیه السلام این نکته را نیز متذکر می شویم که قاطعیت و خشونت ارزشمند و خداپسندانه در اجرای دین، برخورد با بیگانگان، بدعت گزاران و باندهای مافیایی قدرت و غارت است.

دارو و درمان می‌پرسیدند و مکرر از او دلجویی می‌کردند؛ گاه از پشت پنجره و گاهی پله‌ها را طی می‌کردند و به داخل اتاق او تشریف می‌آوردند و بالای سر او می‌رفتند و او را صدا می‌کردند و از او می‌پرسیدند: آیا برایت دکتر آمد؟ دوا داری؟ دار و هایت را مصرف کرده‌ای؟ غذا چه می‌خواهی؟ حالت چگونه است؟ و... چنان نبود که فقط سفارشی بکنند و بگویند: لابد به او رسیدگی می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۲. سلام کردن به بچه‌ها

«در سلام کردن، مقدم بر دیگران بودند و همواره وقتی وارد می‌شدند بر افراد، پیش از آنان، سلام می‌کردند. با آن عظمت - که سران قدرتهای جهان از نامشان وحشت داشتند - آن قدر مهربان و رئوف بودند که حتی اگر با بچه‌ها مواجه می‌شدند به آنها سلام می‌کردند.»<sup>۲</sup>

#### ۳. توجه به خانواده

«امام در طول شبانه روز حتی یک دقیقه وقت تلف شده و بدون برنامه از قبل تعیین شده نداشتند. با توجه به شرایط سنی و میزان فعالیتی که داشتند،

باز هم ساعات خاصی را در سه نوبت - هر کدام، نیم تا یک ساعت - به اهل منزل اختصاص داده بودند که هر کدام از ما که مایل بودیم خدمت ایشان می‌رسیدیم و مسائل خودمان را مطرح می‌کردیم. امام در این ساعات معمولاً از نظر فکری و روحی به خانواده توجه داشتند؛ هیچ سؤالی را بی جواب نمی‌گذاشتند؛ حتی خودشان ابتدا مسائل را مطرح نمی‌کردند و می‌خواستند که از این وقت، اعضای خانواده استفاده کرده و بر حسب ضرورت، مسایلشان را عنوان کنند. اگر سؤالی را به دلیل کمبود وقت پاسخ نمی‌دادند، حتماً به خاطر می‌سپردند تا در فرصت مناسب دیگری پاسخ دهند.»<sup>۳</sup> (فرشته‌اعرابی، نوه امام)

#### ۴. کار در خانه

«طی این سالهای طولانی زندگی مشترک، هرگز امام از من نخواستند

۱. مهر و قهر، ص ۵۰. نقل از برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۹۱.  
 ۲. همان، ص ۴۵ و همان، ج ۲، ص ۲۲۵.  
 ۳. همان، ص ۴۰. به نقل از «برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام» ج ۱، ص ۱۸.

گذراننده و سحرها را به مطالعه اختصاص دهند.<sup>۳</sup>  
(همسر شهید آیه الله محلاتی)

#### ۷. ابراز عواطف

«امام به شدت عاطفی بودند، مثلاً در نجف، گاهی خواهرانم به آنجا می آمدند و بعد وقتی می خواستند برگردند، طوری بود که من هیچ وقت، موقع خداحافظی قدرت ایستادن در حیات و دیدن خداحافظی آنها رانداشتم. مرحوم برادرم نیز همین گونه بودند و می گفتند: من آن لحظه خداحافظی را نمی توانم ببینم.

اما این مسایل یک ذره بر تصمیم گیریهایشان اثر نداشت!<sup>۴</sup>  
(حاج سید احمد آقا خمینی رحمته الله علیه)

#### ۸. عدم مزاحمت

«خویشاوندان امام که از پانزده سالگی با ایشان بودند، می گفتند: در خمین از پانزده سالگی - که با ایشان

۱. همان، ص ۲۷؛ همان، ص ۸۶.

۲. همان، ص ۲۵. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱، ص ۷۸.

۳. همان، ص ۲۸. نقل از: صحیفه دل، ص ۱۲۷.

۴. همان، ص ۳۱؛ نقل از: پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۸۴.

یک فنجان چای به ایشان بدهم! آقا چای را خودشان آماده می کنند و به محض نوشیدن، فنجان را می شویند!<sup>۱</sup>  
(همسر امام)

#### ۵. بچه داری در منزل

«چون بچه ها شبها خیلی گریه می کردند و تا صبح بیدار می ماندند، امام شب را تقسیم کرده بودند؛ مثلاً دو ساعت خودشان بچه را نگه می داشتند و خانم می خوابیدند و دو ساعت می خوابیدند و خانم بچه ها را نگهداری می کرد.

روزها پس از پایان درس، ساعتی را به بازی با بچه ها اختصاص می دادند تا کمک خانم باشند در تربیت فرزندان!<sup>۲</sup>

(خانم فاطمه طباطبایی)

#### ۶. رسیدگی به زن و بچه

«در همان اوایل درس حضرت امام، که ایشان برخی نکات اخلاقی را در درس می فرمودند، حاج آقا گفت: امروز حضرت امام در درس فرمودند: «طلبه های متأهل نباید شبها مطالعه کنند؛ بلکه شبها را به رسیدن به امور منزل و رسیدگی به زن و فرزند

بودیم - برای نماز شب یک چراغ موشی کوچک می گرفتند و می رفتند به یک قسمت دیگر منزل، تا هیچ کس بیدار نشوند، و آنجا نماز شب می خواندند.

خانم می گویند: تا حال، نشده که من از نماز شب ایشان بیدار شوم؛ چون برق را مطلقاً روشن نمی کردند؛ نه چراغ اتاق؛ نه راهرو و نه حتی چراغ دستشویی را. برای اینکه کسی بیدار نشود، هنگام وضوی نماز شب یک ابر، زیر شیر می گذاشتند که آب چکه نکند و صدای آن کسی را بیدار نکند.<sup>۱</sup>

#### ۹. احترام به دوستان

«در جلساتی که امام با دوستانشان شرکت می کردند، همیشه آنها را جلو می انداختند و خودشان از عقب می آمدند و با این حرکت از دوستانشان تجلیل می کردند، این کار، کار یک دفعه و دو دفعه نبود؛ بلکه کار بیست سال بود که خود من شاهد این مسئله بودم. امام عظمت روحی عجیبی داشتند.»<sup>۲</sup>

(مرحوم آیه الله بهاء الدینی)

۱۰. خوشرویی؛ یا الله، بسم الله

«امام به ما اجازه داده بودند در هر

وقت از شب، بسا یک یا الله گفتن خدمتشان برسیم، گفته بودند: وقتی شما با من کار دارید فقط یا الله بگویید و بیاید.

وقتی ما یا الله می گفتیم، منتظر می شدیم که ایشان بگویند: بسم الله. آن وقت وارد می شدیم و آن مراقبتی که باید می کردیم، انجام می دادیم و برمی گشتیم. من در تمام این اوقات استثنایی، ندیدم که ایشان اخم بکنند یا روی ترش به ما نشان دهند؛ بلکه با کمال خوشرویی ما را می پذیرفتند و این حاکی از نهایت صبر و شکیبایی ایشان بود.»<sup>۳</sup>

(دکتر پورمقدس)

#### ۱۱. توجه به طلاب گمنام

«یک وقتی - در دوران طلبگی ام - مدت یک ماه مریض شده و در مدرسه حجتیه در حجره ام بستری بودم. در طول این مدت روزهای چهارشنبه امام به اتفاق یکی از دوستان دانشمند ما در

۱. همان، ص ۳۴ - ۳۵. نقل از: برداشتهایی از

سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۵۶ - ۵۷. نقل از: برداشتهایی از

سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۷۳. نقل از: برداشتهایی از سیره

امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۸۹.

حیاط بازی می‌کردم و امام قدم می‌زدند، پایم روی یک گل رفت و خراب شد. امام به آرامی به من گفت: مواظب باش وقتی بازی می‌کنی روی گل نروی و خراب نکنی.» (نوه امام)

### ۱۳. اهمیت به نسل جوان

\* «زمانی که امام در پاریس بودند، اغلب در آنجا می‌دیدم که نشسته و برای ۵ تا ۶ نوجوان دختر و پسر جلسه‌ای ترتیب داده با آنها صحبت می‌کنند و برای ساختن و آماده کردن و روشن نمودن آنها وقت طولانی مصرف می‌کنند. گاهی من تعجب می‌کردم از اینکه مثلاً یک مرجع بزرگی یک ساعت نشسته برای عده‌ای نوجوان دارد او ضاع سیاسی را تحلیل می‌کند و مسائل اسلام را تشریح می‌کند!»<sup>۴</sup> (آیه الله نوری همدانی)

۱. همان، ص ۷۴. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۸.  
 ۲. همان، ص ۷۹. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۹۰.  
 ۳. همان، ص ۸۰. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴.  
 ۴. همان، ص ۹۳. نقل از: برداشتهایی از سیره

حجره مدرسه از من عیادت می‌کرد؛ در صورتی که من یک طلبه گمنامی بیش نبودم.

یکی دیگر از آقایان می‌گفت: از آن روزی که من توی خانه افتاده‌ام همه مرا فراموش کردند، جز امام که معمولاً از من احوالپرسی می‌نمودند.»<sup>۱</sup>

(آیه الله ابراهیم امینی)

### ۱۲. مهربانی به بچه‌ها

\* «نسبت به بچه‌های کوچک به قدری مهربان و صبور هستند که آدم حیرت می‌کند. از ناراحتی و بیماری فرزندان شان بسیار ناراحت می‌شوند و در مراجعه به دکتر عجله می‌کنند. از توجه زیادی که به مریض پیدا می‌کنند ناراحتی شان را درک می‌کنم.»<sup>۲</sup>

(همسر امام)

\* «یک روز موقع ناهار بود که دختر بچه یکی از محافظین بیت را پیش امام بردیم. امام بعد از اینکه او را نوازش کردند گفتند: بنشینید ناهار بخورد و بعد برود.»<sup>۳</sup> (عیسی جعفری)

\* «امام هیچ وقت مرا دعوا نمی‌کردند و با زور چیزی را به من تحمیل نمی‌کردند. یک روز که در

دوباره تکرار کنیم و نمی توانیم خیلی در چشمان امام نگاه کنیم.

آن نگاه ثابت و نافذ و آن شعاعی که در چشمانشان است باعث می شود که بی اختیار سرمان را پایین بیندازیم؛ اما در داخل منزل که ما این افتخار را داریم که با ایشان بر سر یک سفره بنشینیم و غذا بخوریم، مثلاً زمانی که در حیاط منزل در حال قدم زدن هستند با ما خیلی شیرین و گرم اند و سؤال و جوابشان توأم با لبخند است.<sup>۲</sup>

(حجة الاسلام تقوی)

جلوه‌هایی از صلابت و قاطعیت

امام خمینی علیه السلام

#### ۱. مسائل شرعی و انجام عبادات

«به تازگی مکلف شده و شب خوابیده بودم. امام با اخوی وارد شدند. خیلی سرحال و خوشحال

«یکی از شبها در حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام جماعتی از دانشجویان مسلمان اروپا برای دیدار با امام آمده بودند که ظاهر آنها - به تعبیر ما - یک ظاهر ناپسندی بود؛ چه از نظر وضع و قیافه و لباس و چه از نظر طرز برخورد و صحبت؛ لیکن ما شاهد بودیم که امام به گونه‌ای با آنها برخورد کردند که گویی با دوستان قدیمی شان نشسته‌اند و مشغول صحبت می‌باشند. آنها آنچنان مجذوب امام بودند که پس از چند دقیقه صحبت با یک دنیا نیرو و ایمنان و امید از کنار ایشان برخاستند.»<sup>۱</sup> (حجة الاسلام کریمی)

#### ۱۴. جمع اضداد

«یک بار به برادرم گفتم: من از امام دو چهره می‌بینم. یکی در داخل منزل که خیلی گرم و صمیمی و یگانه است و دیگری در بیرونی که خیلی جدی است؛ به طوری که وقتی در بیرونی خدمتشان می‌رسم و از ایشان سؤال می‌کنم و آقا جواب می‌دهند می‌گویم: آقا پس آنجا چرا رفتار شما آن طور نیست؟ ایشان می‌فرمایند: آنجا آن طوری است. و دیگر جرأت نداریم

امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۴.

۱. همان، ص ۹۵. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۸۷. شایان ذکر است که بخشی از دو پیام و نامه امام درباره جوانان در همین کتاب، ص ۹۴ و ۹۷ چاپ شده است.

۲. همان، ص ۲۲۵. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۲۱.

بودند. پرسیدند: نماز خوانده‌ای؟

- من فکر کردم چون الآن آقا سر حال هستند، دیگر نماز خواندن من هم برایشان مسئله‌ای نیست. گفتم: نه. ایشان به قدری تغییر حالت دادند و عصبانی شدند که ناراحتی، سراسر وجودشان را فراگرفت و من خیلی ناراحت شدم که چرا با حرف و عملم مجلس به آن شادی را تلخ کردم! <sup>۱</sup>

(فریده مصطفوی، دختر حضرت امام)

\* گاهی که امام پسر هشت ساله‌ام را می‌دیدند، به او می‌گفتند: نمازت را خوانده‌ای؟ من می‌گفتم: آقا او هنوز به سن تکلیف نرسیده است. می‌گفتند: بچه‌ها قبل از رسیدن به سن تکلیف باید روبه نماز بایستند تا عادت کنند. اما بعد از سن تکلیف، مگر کسی جرأت می‌کرد بیدار باشد و نمازش را نخواند؟ امام نمی‌توانستند تحمل کنند که مکلف نمازش قضا شود. <sup>۲</sup> (فاطمه طباطبایی)

\* «در سال ۱۳۶۲ ش. نوجوانی نوشته بود: پدرش فردی بی‌دین است و به او گفته: من راضی نیستم که در منزل من، نماز بخوانی! آیا پدر، چنین حقی دارد و تکلیف او چیست؟

امام فرمودند: غلط کرده است. برود نماز بخواند. اشکال ندارد. <sup>۳</sup>

(حجة الاسلام رحیمیان)

## ۲. پاکدامنی

\* «از مسائلی که امام بیشتر به آن توجه داشتند، محدود بودن ارتباط بین زن و مرد بود. یادم هست ده سال بیشتر نداشتم و با برادرها و پسرخاله‌ام قایم باشک بازی می‌کردیم. حجاب هم داشتیم؛ اما یک روز امام مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید؛ مگر او با پسرها بازی می‌کند که شما با پسرها بازی می‌کنید؟» <sup>۴</sup>

(عاطفه اشراقی، نوه امام)

\* «امام صحبت بی‌مورد زنها با نامحرم را ضرورت نمی‌دیدند؛ مثلاً در خانه خودشان وقتی که یکی از نوه‌های پسرشان مکلف می‌شد، دیگر با آنها در

۱. همان، ص ۲۴۷. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹.
۲. همان، ص ۲۴۸. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۷۰.
۳. همان، ص ۲۴۸ - ۲۴۹. نقل از: در سایه آفتاب، ص ۲۴۶.
۴. همان، ص ۲۴۹. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.



یک اتاق نمی‌نشستیم. البته جالب اینجاست که وقتی ما نزدشان بودیم نمی‌گفتند که ما از اتاق بیرون برویم؛ بلکه به او می‌گفتند بیرون برو. یا اگر من پهلوی ایشان بودم و نوه مکلف شده‌شان که مثل پسر خودم بود، می‌خواست وارد اتاق بشود می‌گفتند: کسی اینجا هست.»<sup>۱</sup> (فاطمه طباطبائی)

\* «امام در ارتباط با نامحرم خیلی سخت‌گیرند. الآن پسرهای من و حاج احمد آقا ۱۵، ۱۶ ساله‌اند و اگر یک روز ما برای نهار به منزل آقا دعوت شویم، پسرها حق آمدن ندارند و یا اگر هم بیایند، مثلاً ما خانه خانم می‌نشینیم و سفره می‌اندازیم و آنها منزل احمد آقا؛ آن هم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند. نه فقط سر سفره، بلکه حتی به همدیگر سلام هم نکنند؛ چون واجب نیست، به هر حال آقا این نوع مهمانی رفتن خانمها و آقایان نامحرم و با هم دور سفره نشستن را حرام می‌دانند.»<sup>۲</sup>

(زهره مصطفوی)

\* «من ۱۵ ساله بودم که مرحوم آقای اشراقی داماد ما شده بودند. یک روز ما منزل ایشان دعوت داشتیم.

همین جور که من و امام با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقبال می‌آیند؛ ما در یک باغچه‌ای داشتیم حرکت می‌کردیم. من به امام گفتم: سلام بکنم آقا؟ گفتند: واجب نیست، من هم رویم نشد که سلام نکنم و از داخل باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبه‌رو نشوم»<sup>۳</sup>

(زهره مصطفوی)

### ۳. ترک گناهان

\* «امام مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم. در منزل، حق انجام هیچ‌گونه معاصی، از جمله غیبت، دروغ، بی‌احترامی به بزرگتر، و توهین به مسلمانان را نداشتیم. خصوصاً روی معصیت توهین به مسلمان، حساسیت زیادی داشتند.»<sup>۴</sup>

(فریده مصطفوی)

۱. همان، ص ۲۵۰-۲۴۹. نقل از برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.
۲. همان، ص ۲۵۰. نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.
۳. همان، ص ۲۵۰. نقل از برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.
۴. همان، ص ۲۵۱. نقل از برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۵.

من برای حالشون نگران شدم. خود آن خانم گفتند: من حرفی نزدم، من فقط گفتم: جلوی من تواضع نکردند. امام گفتند: شما بله! شما نمی‌دانید و یادتان می‌رود؛ اما خدا یادش است. غیبه! این غیبه!

در مقابل فعل حرام، خیلی ایشان برآشفته و ناراحت می‌شوند و در انجام دادن عمل واجب هم خیلی جدی و محکم‌اند.<sup>۲</sup>

«حضرت امام، افراد را از نظر عمل به مباح خیلی آزاد می‌گذارند؛ اما از نظر عمل به حرام خیلی سخت و محکم‌اند؛ حالا شما در خانه هر جوری می‌خواهید باشید.»<sup>۳</sup>

(زهرامصطفوی)

\* «امام شدیداً از کسی که خلاف شرع انجام می‌داد ناراحت می‌شدند و خیلی حالتشان برانگیخته می‌شد؛ یعنی اگر یک وقت سر سفره دست ما

\* «یک بار آقا همه اهل خانه را صدا کردند و گفتند: من بنا داشتم یک دفعه که همه با هم جمع هستید چیزی برای شما بگویم. بعد گفتند: شما می‌دانید غیبت چقدر حرام است؟»

گفتیم: بله. بعد گفتند: شما می‌دانید آدم کشتن عمدی چقدر گناه دارد؟ گفتیم: بله. فرمود: غیبت، بیشتر. بعد گفتند: شما می‌دانید فعل نامشروع و عمل خلاف عفت [زنا] چقدر حرام است؟ گفتیم: بله. فرمودند: غیبت بیشتر.<sup>۱</sup>

(زهرامصطفوی)

\* «در مقابل کوچک‌ترین فعل حرام، چنان امام غضبناک می‌شوند که در مقابل نظام پهلوی؛ به همان تندی که اغلب شما شنیده‌اید. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ما در اتاق نشسته بودیم و یکی از بستگان - که یک خانمی بود - آهسته به من گفت: وقتی من وارد شدم فلانی تواضع نکرد.

یک مرتبه دیدم آقا با شدت ناراحتی رو کردند به ایشان و گفتند: شما نمی‌دانید خدا اینجاست؟ فضای اینجا الآن حرام است و نشستن اینجا الآن حرامه! اصلاً آن قدر امام منقلب شدند که

۱. همان، ص ۲۵۲ - ۲۵۱. نقل از: برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۸.  
۲. همان، ص ۲۵۳. نقل از: برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۰۲.  
۳. همان، ص ۲۵۵. نقل از: برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹.

از حدّ مجاز از آستین بیرون می آمد  
تذکر می دادند.»<sup>۱</sup> (فاطمه طباطبایی)

\* «امام همیشه به ما می گفتند:  
درست است که می گویند: وجه و کفین  
پیدا باشد، اما جوانها بهتر است که کمی  
بیشتر خود را بپوشانند و خیلی تأکید  
می کردند که در خارج از منزل  
هیچ گونه عطری مصرف نشود. یادم  
هست که در یکی از عیدها، امام به  
نواده دختری دیگرشان عطر هدیه  
دادند و به من یک چیز دیگر و  
فرمودند: چون تو ازدواج نکرده ای،  
بنابراین احتیاجی به عطرنداری.»<sup>۲</sup>  
(عاطفه اشراقی)

#### ۴. استکبار

\* «یک روز حاج احمد آقا نقل  
می کرد: امام فرمودند: اگر من بودم با ورود  
اولین ناو آمریکایی به خلیج فارس آن را هدف  
قرار می دادم!!»<sup>۳</sup> (حجة الاسلام آشتیانی)  
\* «یکی از سفیران کشورمان در

نامه ای خطاب به امام نوشته بود: در  
بعضی مجالس دعوت می شویم؛  
مشروبات الکلی وجود دارد و اگر ما  
نپذیریم و نرویم حمل بر چیزهایی  
دیگر می شود و مشکلاتی در روابط

پیش می آید.

حضرت امام فرمودند: به جهنم!  
نباید از این چیزها بترسند! نباید بروند!  
دلیلش را هم بگویند تا آنها کم کم بفهمند برای  
چیست.»<sup>۴</sup> (حجة الاسلام رحیمیان)  
\* «در پیام حضرت امام به مناسبت  
نیمه شعبان، ۶۸/۱/۲، چنین بیان شده  
است:

«من بار دیگر از مسئولین بالای نظام  
جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس  
و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و  
کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه  
فساد و فحشاء سرمایه داری غرب و پوچی و  
تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای  
اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم...  
من باز می گویم: همه مسئولان نظام و  
مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما  
را از هویت اسلامی تان - به خیال خام  
خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست.

۱. همان، ص ۲۵۴. نقل از: برداشتهایی از سیره  
امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶.
۲. همان، ص ۲۵۵. نقل از: برداشتهایی از سیره  
امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۸.
۳. همان، ص ۲۵۶. نقل از: برداشتهایی از سیره  
امام خمینی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۰۶.
۴. همان، ص ۲۵۵؛ در ساله آفتاب، ص ۲۴۷.

بدهید و خفیفش کنید. گفتم باشد. بعد از این، من به وزارت امور خارجه زنگ زدم و گفتم: به سفیر شوروی بگویید: بیاید من ببینمش.

آن موقع من در وزارت سپاه، در ساختمانی در خیابان فردوسی بودم. سفیر شوروی [= بولدوریف] آمد. وقتی در اتاق را باز کرد و همراه افسر سیاسی داخل شد، فریاد زدم همان جا بایست.

او یگه خورد و ایستاد و چون فارسی می‌دانست، پرسید: چه فرمایشی دارید؟! گفتم: من می‌خواهم سؤال کنم این خرسهای قطبی کی از خواب بیدار می‌شوند؟ گفت: منظورتان از خرسهای قطبی چیست و چه کسانی هستند؟ گفتم: این رهبران شوروی!

گفت: چطور مگر؟

گفتم: آخر خرسهای قطبی در طول پاییز و زمستان و بهار خواب

نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان، خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند! <sup>۱</sup>

\* «در قضیه کاپیتولاسیون، یکی از مقامات آمده بود قم که با امام ملاقات کند. امام اجازه ملاقات به او نداده بود؛ لذا او هم به حضور آقا مصطفی رفته و گفته بود: اگر امام علیه کاپیتولاسیون حرف می‌زند مواظب باشد علیه آمریکا حرف نزند. امروز علیه آمریکا حرف زدن خیلی خطرناک‌تر از سخن گفتن علیه شاه است. همین باعث شد که امام در آن سخنرانی خود فرمودند: رئیس جمهور آمریکا بداند که امروز در پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است. امروز تمام گرفتاریهای ما از آمریکاست! و شدیدترین حمله‌ها را به آمریکا کردند. <sup>۲</sup> (حجة الاسلام حمید روحانی)

\* «سال ۶۲ مرحوم حاج احمد آقا به من زنگ زدند و گفتند: حضرت امام فرموده‌اند با توجه به وضعیت که شوروی در حمایت از عراق دارد، شما سفیر شوروی را بخواهید و به او خفت

۱. همان، ص ۳۵۷؛ صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. همان، ص ۲۶۲. نقل از برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹۳.

هستند و وقتی که آفتاب مستقیم تابستان به آنها بتابد، بیدار می شوند؛ تا بیدار می شوند طولی نمی کشد که تابستان می گذرد و دوباره به خواب می روند.

این احمقها خیال می کنند که صدام طرفدار شوروی است؟ نه خیر، صدام آمریکایی است. شما از قول من به رهبران شوروی پیغام دهید که هفتاد میلیون بمب<sup>۱</sup> در کشور شما هست که چاشنی آنها در دست ماست، تا کی باید بمبها و موشکهای شما روی سر ملت ما بریزد؟ کاری نکنید که ما این چاشنیها را آتش بزنیم.

سفیر شوروی همه را نوشت و اجازه رفتن خواست. به او گفتم: برو گم شو! دو هفته بعد، از وزارت امور خارجه زنگ زدند که سفیر شوروی وقت ملاقات می خواهد؛ گفتم: بیاید. این مرتبه که آمد داخل، نزدیک در اتاق ایستاد و گفت: اجازه می دهید بیایم داخل؟ گفتم: بیا. وقتی آمد گفت: اجازه می دهید بنشینم؟ گفتم: بنشین. پس از چندی، کاغذی از جیب خود بیرون آورد و بلند شد

ایستاد و گفت: من پیغام شما را رساندم. رهبران شوروی این پیغام را بسیار عالی ارزیابی و توصیف کردند و گفتند: اگر شما را دعوت کنیم به مسکو، می آید یا نه؟ گفتم: من دوست دارم شوروی را ببینم اما این مسافرت باید به اجازه امام انجام شود؛ اگر اجازه دادند می آیم. بعد از این ملاقات رفتم خدمت مرحوم حاج احمد آقا و ملاقات اولیه را تشریح کردم. ایشان، پس از بیان کردن داستان برای حضرت امام، به من گفتند: امام خیلی خوششان آمد و فرمود: خوب برخورد کردید.<sup>۲</sup>

(محسن رفیق دوست)

\* اطلاعیه امام در آستانه ورود

نمایندگان آمریکا:

«بسم الله الرحمن الرحيم

از قرار اطلاع، نمایندگان ویژه کارتر، در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با این جانب ملاقات نمایند؛ لهذا لازم می دانم متذکر شوم: دولت آمریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران نموده است و از طرفی دیگر، آن طور که گفته شده است،

۱. کنایه از هفتاد میلیون مسلمان شوروی.

۲. همان، ص ۲۶۷.

و فرمودند:

«والله اگر جوان بودم و قدرت حرکت داشتم، شخصاً می‌رفتم و او را می‌کشتم.»<sup>۳</sup>  
 امام خمینی علیه السلام: «ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم.»<sup>۴</sup>

\* «امام بارها می‌فرمود: وقتی عکس شاه را در برابر فلان رئیس جمهور آمریکا دیدم که آن طور ذلیلانه در مقابل او ایستاده بود، بسیار ناراحت شدم، و تلخی این منظره

سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما، علیه نهضت مقدس اسلامی است؛ لذا ملاقات با من به هیچ وجه، برای نمایندگان ویژه، ممکن نیست و علاوه بر این:

۱. اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه، نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲. هیچ یک از مقامات مسئول، حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳. اگر چنانچه آمریکا، شاه مخلوع، این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد.»<sup>۱</sup>

روح‌الله الموسوی‌الخمينی ۵۸/۸/۱۶

\* ده سال بعد، حضرت امام با تشریح ماهیت استکباری آمریکا پیام دادند:

«...اگر برکشوری ندای دلنشین تفکر

بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم...»<sup>۲</sup>

\* وقتی حضرت امام از مضمون کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی مطلع شدند، از خشم، بر خود لرزیدند

۱. همان، ص ۲۶۷. به نقل از: صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۵۸.  
 ۲. همان، ص ۲۶۸. به نقل از: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۵۲ (در سالگرد بسیج، ۱۳۶۷/۹/۲).  
 ۳. همان، ص ۲۶۹ - ۲۷۰. به نقل از: مجله پاسدار اسلام، ش ۸۸، ص ۲۹، فروردین ۱۳۶۸.  
 ۴. همان، ص ۲۸۰. به نقل از: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۰.

هنوز برای من باقی است که شاه مملکت اسلامی در برابر کافر خدانشناس این طور اظهار کوچکی کند.»<sup>۱</sup> (آیه الله استادی) \* «چهار نفر از وعظا سرشناس اصفهان به عتبات مشرف شده بودند. این جانب در کربلا با آنها برخورد کردم. از ترس ساواک در بازگشت به ایران، نمی خواستند با امام در ملا عام ملاقات کنند. از اینرو، از حقیر خواستند یک ملاقات خصوصی را با امام، در منزل ترتیب بدهم. دیدار خصوصی، به واسطه مرحوم حاج آقا مصطفی در اندرونی منزل، فراهم شد. حضرت امام برای آنها سخنانی به این مضمون، بیان کردند:

«طبیعت اینها - شاه و ایادی او - مثل سگ درنده است، اگر در مقابل سگ درنده بایستید و دست به روی آن بلند کنید، جا می خورد و اگر تهاجم کردید، پا به فرار می گذارد. ولی اگر از مقابل آن، جا خالی کردید، ترسیدید و خودتان را باختید و حالت عقب نشینی به خود گرفتید، به طرف شما هجوم می آورد و تا پای شما را نگیرد و شما را از پا در نیاورد، رها تان نمی کند. اینها اول از شما می خواهند که مطالب کذا را نگویند، اگر

تسلیم شدید، می خواهند که درباره فلان مسئله هم حرفی نزنید. اگر عمل کردید، به شما می گویند: به فلان کس دعا کنید، و بعد تأیید لوابیح کذا را از شما می خواهند. عاقبت هم از شما می خواهند که در خدمت ساواک قرار بگیرید و برای آنها گزارش هم بدهید.

بالاخره ما باید یک جایی جلوی آنها بایستیم و چه بهتر که این کار را در همان قدم اول بکنیم که در این صورت، آنها وادار به عقب نشینی خواهند شد و حتماً موفق خواهید بود.»<sup>۲</sup> (حجة الاسلام رحیمیان)

#### \* کاپیتولاسیون

حضرت امام علیه السلام در یک سخنرانی بسیار مفصل و حماسی، هشدار دادند. «... اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد. دادگاههای ایران حق ندارند محاکمه کنند... ملت ایران را از سگهای آمریکا پست تر کردند، اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او می کنند، اگر شاه ایران

۱. همان، ص ۲۸۰، به نقل از: صحیفه نور، ج ۲۱،

ص ۱۰۰.

۲. همان، ص ۲۸۲ - ۲۸۳. نقل از: در سایه آفتاب،

ص ۸۹

یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی... بزرگترین مقام را زیر بگیرد، هیچ کس حقّ تعرّض ندارد، چرا؟...»<sup>۱</sup>

\* «پس از آزادی امام از زندان، روزنامه اطلاعات نوشت: روحانیت سازش کرد. امام، سخنرانی مهیجی در تکذیب این سوء تفاهم، ایراد فرمودند.

رژیم شاه، مولوی، رئیس ساواک تهران را برای عذرخواهی خدمت امام فرستاد... او مسی‌خواست ملاقات، خصوصی باشد؛ ولی امام ملاقات خصوصی نمی‌داد.

مولوی شروع به صحبت و عذرخواهی نمود که اشتباهی شده است. در این هنگام جمله‌ای که شاید بوی توهین از آن می‌آمد صادر شد. او می‌گفت: آقا نگذارید که ما به وظیفهٔ سربازیمان عمل کنیم! یک مرتبه امام - در حالی که انگشت سبابهٔ خود را به سینهٔ مبارک می‌زدند با عصبانیت -

فرمودند: بنده هم سرباز اسلام هستم؛ نگذارید که ما به وظیفهٔ سربازیمان عمل کنیم!»<sup>۲</sup> (حجة الاسلام توسلی) همین صحنه را شهید حاج مهدی

عراقی چنین توضیح می‌دهد:

«... و تا می‌گوید: ما سربازیم، آقا می‌گوید به او که: مرتیکه تو کجایت سرباز است!! اگر سرباز بودید چادرزنانه سرتان نمی‌کردید که فرار کنید، سرباز ما هستیم که در هر حال از این مملکت دفاع کرده و می‌کنیم!»<sup>۳</sup>

\* نامه امام به محتشمی پور، وزیر کشور در سال ۱۳۶۶ ش. در مورد نهضت آزادی:

«... در مورد نهضت به اصطلاح آزادی، مسائل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پرونده این نهضت و همین طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی و استگنی کشور ایران به آمریکاست. و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... به حسب این پرونده‌های قطور و نیز ملاقاتهای مکرر نهضت، چه در منازل خودشان و چه در سفارت آمریکا و به حسب آنچه من مشاهده

۱. همان، ص ۲۸۶. به نقل از صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۶. (۱۳۴۳/۸/۴)

۲. همان، ص ۲۹۲. نقل از: برداشتهایی از سیرهٔ امام خمینی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹۵.

۳. همان، ص ۳۰۳. نقل از: برداشتهایی از سیرهٔ امام خمینی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۷.



کردم از انحرافات آنها، اگر خدای متعال عنایت نفرموده بودو مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت‌های مظلوم، به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پامی زد و اسلام عزیز چنان سیلی ای از این ستمکاران می خورد که قرن‌ها سر بلند نمی کرد و به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی، صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانون گذاری یا قضایی را ندارد و ضرر آنها به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه، جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویلهای جاهلانه، موجب فساد عظیم ممکن است، بشوند، از ضررگروهکهای دیگر، حتی منافقین - این فرزندان عزیز مهندس بازرگان - بیشتر و بالاتر است...

نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن، چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند! <sup>۱</sup>

توهین کننده، محکوم به اعدام

است

حضرت امام علیه السلام به محمد هاشمی

نوشتند:

«آقای محمد هاشمی، مدیر عامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی! با کمال تأسف و تأثر، از صدای جمهوری اسلامی مطالبی در مورد الگوی زن، پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می گردد و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از این گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه ها قوه قضاییه اقدام می نماید!!» <sup>۲</sup>

#### وصیت در مورد انحرافات

«اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و

۱. همان، ص ۳۱۰ - ۳۱۱. نقل از صحیفه امام،

ج ۲۰، ص ۴۸۱.

۲. همان، ص ۳۰۲. نقل از صحیفه نور، ج ۲۱،

ص ۷۶. (۱۳۶۷/۱/۹)

مددکار همه باشد.<sup>۱</sup>

### وصیت حضرت امام در مورد

#### نفوذیها

«هرکس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد و با جدیت از نفوذ و ابستگان به دو قطب استعمارگر غرب یا شرق زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نماید و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی - که همان ابرقدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند - با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی، به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.»<sup>۲</sup>

### وصیت در مورد نمایندگان و

#### مسئولان منحرف:

«از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند و مردم و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی

۱. همان، ص ۳۱۳. نقل از: وصیت نامه حضرت امام خمینی علیه السلام.

۲. همان، ص ۳۱۴. نقل از وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی علیه السلام.

از نمایندگان مجلس  
شورای اسلامی در این  
عصر و عصرهای آینده  
می‌خواهم که اگر خدای  
نخواستہ عناصر منحرفی با  
دسیسه و بازی سیاسی  
وکالت خود را به مردم  
تحمیل نمودند، مجلس  
اعتبارنامه آنان را رد کنند و  
نگذارند حتی یک عنصر  
خرابکار و وابسته به مجلس  
راه یابد.

در این عصر و عصرهای آینده  
می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ  
عناصر منحرفی با دسیسه و بازی  
سیاسی وکالت خود را به مردم  
تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد  
کنند و نگذارند حتی یک عنصر  
خرابکار و وابسته به مجلس راه

یابد. <sup>۱</sup>... و اگر در وزارتخانه‌ها و  
نهادهای دیگر کشور چنین گرایشی  
[به غرب یا شرق] باشد که مخالف  
مسیر اسلام و ملت است، اول هدایت  
و در صورت تخلف، استیضاح نمایید  
که وجود چنین عناصر توطئه‌گر در  
رأس امور یا در قطبهای حساس،  
موجب تباهی کشور خواهد شد.»

قاطعیت در مورد توصیه‌های  
نزدیکان به ادارات

حضرت امام علیه السلام همان اول انقلاب  
به نخست وزیر دستور دادند:

«جناب آقای نخست وزیر، لازم است به  
جمع وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی اخطار  
نمایند کسانی که از منسوبین و یا اقربای این  
جانب هستند و برای توصیه اشخاص و یا  
نصب و عزل اشخاص به مراکز مربوطه  
مراجعه می‌کنند، به هیچ وجه به آنان ترتیب  
اثر ندهند؛ منسوبین و نزدیکان مطلقاً حق  
دخالت در این‌گونه موارد را ندارند،  
والسلام.» <sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۳۱۴. نقل از وصیت نامه امام  
خمینی علیه السلام.

۲. همان، ص ۳۶۱-۳۶۲. نقل از صحیفه نور،  
ج ۵، ص ۱۸۷.